**نشريه تربيتى اخلاقى خلق ؛ شماره‏2 ؛ ص16**

**دستور العمل حاج ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى (رحمت‏الله عليه)**

اشاره‏

آيت الله حاج ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى در خانواده‏اى با تقوا و پارسا در تبريز به دنيا آمد. خانواده وى از تاجران متمكن تبريز بودند. پدر او كه حاج ميرزا شفيع نام داشت، در ابتداء عامل مضاربه ناصرالدين شاه بود؛ امّا در پايان موفق شد كه در خدمت مرحوم حاج ميرزا علينقى همدانى مراتب تهذيب و تزكيه نفس را طى نموده و به مقامات والاى انسانيت نائل شود.[[1]](#footnote-1)

سير و سلوك الى الله‏

حاج ميرزا جواد آقا در آن هنگام كه به تحصيل علوم اسلامى در نجف مشغول بود از تربيت و اصلاح خويش غافل نبود و به تهذيب نفس نيز اهتمام نمود و آن را سر لوحه زندگى خويش قرار داد. براى انجام اين مهم به حكم عقل كه هر راه و مسلكى و هر كار و حرفه‏اى نيازمند استاد پخته و كاردان است راه معرفت حق و شناخت نفس و ظرافت‏هاى مجاهده با آن و اطلاع بر دسيسه‏هاى شيطان نيز از امور زندگى به مراتب مهمتر و دقيق‏تر است درجستجوى استاد پاك و راه رفته‏اى كه به قدم مجاهده رسيده و سلوك راه حق را رفته باشد. پس در اين هنگام توفيق شرفيابى به محضر جمال سالكان راه دوست و پيشوايى اهل دل، شيخ عارف كامل آيت الله آخوند ملّا حسينقلى همدانى درجزينى راه پيدا كرد و به حضورش شتافت. شيخ مناجاتيان ميزرا آقا جواد ملكى مدت چهارده سال در خدمت ايشان به سير و سلوك الى الله پرداخت و به معرفت و توحيد حق سبحانه نائل شد. از خود از استادان برجسته اين مكتب گرديد و شاگردان وارسته و سالك بسيارى را تربيت نمود.[[2]](#footnote-2)

حاج ميرزا جواد آقا بعد از دو سال خدمت آقا عرض مى‏كند: من در سير خود به جايى نرسيدم. آقا در جواب از اسم و رسمش سؤال مى‏كند و او تعجب كرده مى‏گويد: مرا نمى‏شناسيد؟ من جواد ملكى تبريزى هستم! ايشان مى‏گويند. شما با فلان ملكى‏ها بستگى داريد؟ آقا ميرزا جواد اقا چون آنها را خوب و شايسته نمى‏دانست، از آنها انتقاد مى‏كند. مرحوم آخوند ملاحسينقلى در جواب مى‏فرمايند: هر وقت توانستى كفش آنها را كه بد مى‏دانى جلوى پايشان جفت كنى، من خود به سراغ تو خواهم آمد. آقا ميرزا جواد فردا كه به درس مى‏رود خود را در محلى حاضر مى‏كند كه پايين‏تر از بقيه شاگردان بنشيند تا رفته رفته طلبه‏هايى كه از آن فاميل در نجف بود و ايشان آنها را خوب نمى‏دانسته مورد محبث خود قرار دهد تا جايى كه كفششان را پيش پايشان جفت مى‏كند. چون اين خبر به آن طايفه كه در تبريز ساكن بوده‏اند مى‏رسد رفع كدورت مى‏شود.

حالات روحى ميرزا جواد آقا

آيت الله آقا سيّد محمود مدرسى يزدى از شاگردان آن فرزانه عارف كه مدتى نيز در بيرونى منزل مرحوم ملكى ساكن بوده است از حالات او چنين نقل مى‏فرمايد: شب‏ها كه ايشان براى تهجّد بر مى‏خاست مدتى در رختخواب گريه مى‏كرد. در ضمن دستورات و آداب برخاستن از خواب از قبيل سجده و دعا را انجام مى‏داد پس به صحن منزل مى‏آمد و به اطراف آسمان نگاه مى‏كرد و آيات‏ «انّ فى خلق السماوات و الارض»[[3]](#footnote-3) را مى‏خواند و سر به ديوار مى‏گذاشت و مدتى گريه مى‏كرد. سپس براى وضو گرفتن آماده مى‏شد و چون به كنار حوض مى‏رفت در كنار حوض مى‏نشست و باز مدتى گريه مى‏كرد. سپس وضو مى‏گرفت و پس از آن به مصلايش مى‏رفت و مشغول شب زنده‏دارى مى‏شد، ديگر حالش خيلى منقلب مى‏شد.

رحلت‏

سرانجام عارف كامل مرحوم ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى پس از عمرى خدمت به شرع مطهّر و پرتو افشانى در حوزه‏هاى علميه نجف، تبريز و قم و تربيت شاگردانى صاحب كمال و تاليف كتبى گران‏سنگ چون اسرار الصلواه، رساله لقاء الله و المراقبات و رسيدن به آرزوى ديرينه خود كه فتح قله معرفت و توحيد بوده در يازدهم ذى الحجه 1343 قمرى مصادف با عيد قربان در حدود سن 65 سالگى در شهر مقدس قم طومار هستى را درهم پيچيد و وظيفه خود در غوغاى طبيعت را به سلامت به انجام رساند. پس از غسل و نماز، پيكر پاكش تا قبرستان شيخان قم تشييع شد و در همان مكان مقدس به خاك سپرده شد.[[4]](#footnote-4)[[5]](#footnote-5)

1. ( 1). شيخ مناجاتيان، ص 31.[ آينه دانشوران، ص 141، 142]. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 2). جامع الدرر، ج 2، ص 228.[ شيخ مناجاتيان، ص 36 [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 3) آل عمران، پنج آيه آخر. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 4). آثار الحجّه، ج 1، ص 26؛ در آسمان معرفت، ص 122؛ شيخ مناجاتيان، ص 123. [↑](#footnote-ref-4)
5. موسسه فرهنگى دارالهدى، نشريه تربيتى اخلاقى خلق، 35جلد، موسسه فرهنگى دار الهدى - قم، چاپ: اول. [↑](#footnote-ref-5)